روسیه با حملات گسترده شبانه اوکراین را به آتش کشید

روسیه شـــهرهای مختلف اوکراین را همچنان هدف حملات گسترده موشکی و پهپادی قرار می‌دهد. گزارش‌ها از آتش‌سوزی‌های گسترده در شهرهای اوکراین حکایت دارد.

رسانه‌های خبری گزارش دادند که چند شهر اوکراین از جمله «برووارى» و «بوریسپیل» در حومه «کی‌یف» و «اودسا» و «بلگورود-دنیستروفسکی» در ساحل دریای سیاه هدف حملات هوایی روسیه قرار گرفتند. براساس این گزارش، بر اثر حملات روسیه علیه شهرهای «برووارى» و «بوریســـپیل» آتش‌سوزی گســـترده‌ای به راه افتاده اســـت. به گزارش مهر به نقل از راشاتودی، این حملات همچنین شهر «زاپوروژیا» در جنوب اوکراین و مناطقی در شهر «ایزیوم» در منطقه «خارکیف» در شرق اوکراین را نیز هدف قرار داد. به گزارش رویترز، مجتمع‌های انبار در «بوریسپیل» نیز که به گفته وزارت دفاع روسیه توسط نیروهای مسلح اوکراین مورد استفاده قرار می‌گرفتند، مورد حمله قرار گرفتند. به گفته «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس‌جمهور اوکراین، روسیه در چهار روز نزدیک به هزار و ۵۰۰ پهپاد به سوی این کشور پرتاب کرده که بیش از نیمی از آنها دارای موتور جت بوده‌اند.

کیهان

جزئیات ارتباط جنایتکاران جنگی سودان با رژیم صهیونیستی منتشر شد

یک سایت اطلاعاتی جزئیاتی از همکاری پنهانی فرمانده نیروهای جنایتکار «پشتیبانی سریع» سودان با رژیم اسرائیل را فاش کرد.

به گزارش روز دوشنبه ایرنا، سایت آفریقا اینتلیجنس نوشت: فرمانده نیروهای پشتیبانی سریع در سودان از زمان شروع جنگ داخلی در این کشـور، ارتباط نزدیکی با تل‌آویو داشـــته اســـت و فرماندهان ارشـــد این نیروها و اعضای خانواده‌هایشان چندین‌بار به عنوان بخشـــی از همکاری‌های امنیتی از سرزمین‌های اشغالی بازدید کرده‌اند. فرماندهان نیروهای پشتیبانی سریع از جمله اعضای خانواده محمد حمدان دقلو ملقب به «حمیدتی»، فرمانده ارشد این نیروهای متهم به جنایت جنگی، با مقامات رژیم اسرائیل تماس‌هایی گرفته‌اند. یکی از سفرها به تل‌آویو را عبدالرحیم حمدان دقلو، برادر حمیدتی و معاون او در فرماندهی نیروهای پشـــتیبانی ســـریع، و همچنین عبدالغنی حمدان دقلو، برادر کوچک‌ترشـــان، انجام دادند. در سفر بعدی، عزالدین الصافی، مشاور حقوقی نیروهای پشتیبانی سریع، نیز شرکت داشته است.

سه‌شنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۵ ▢ ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ ▢ اول سپتامبر ۲۰۲۶ ▢ شماره ۲۴۲۲۳

اذان ظهر: ۱۲/۰۴، اذان مغرب: ۱۸/۵۰، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۱، اذان صبح(فردا): ۴/۱۰، طلوع آفتاب(فردا):۵/۳۷

نگاه

غرب و اختراع حزب نازی!

امین‌الاسلام تهرانی

۱ ســپتامبر ۱۹۳۹ (۱۰ شهریور ۱۳۱۸) روزی است که ارتش آلمان نازی بدون اعلام جنگ رسمی به خاک لهستان یورش برد و جنگ جهانی دوم در اروپا آغاز شد. در ساعات اولیه صبح، ناو جنگی شلسویگ- هولشتاین به پایگاه وسترپلاته آتش گشود و نیروهای زمینی و هوایی آلمان با تاکتیک بلیتزکریگ مرزها را درنوردیدند. این حمله که با بهانه‌های ســاختگی و عملیات‌های دروغین همراه بود، به‌ســرعت به نماد تجاوز آشکار نازی‌ها تبدیل شد. دو روز بعد، در ۳ سپتامبر ۱۹۳۹ (۱۲ شهریور ۱۳۱۸)، بریتانیا و فرانســه اعلام جنگ کردند، اما این اعلام بیشتر نمایشی بود تا عملی. غرب این‌جا نیز ترجیح داد لهستان به دست هیتلر بیفتد تا زمان بیشتری برای آماده‌سازی خود بخرد.

روایت غالب غربی این روز را نقطه شــروع فاجعه‌بارترین جنگ تاریخ معرفی می‌کند. کتاب‌های درسی، مستندها و یادبودهای رسمی در اروپا و آمریکا همواره بر جنایت هیتلر و فروپاشی نظم بین‌المللی تأکید دارند. این برجسته‌ســازی البته درست است؛ تجاوز آلمان به کشوری مستقل، نقض آشــکار حقوق بین‌الملل و آغاز زنجیره‌ای از کشتار و ویرانی بود که میلیون‌ها نفر را به کام مرگ کشاند. با این حال، همین روایت درست اما گزینشی، بخشــی از الگوی دائمی غرب است که تنها آن بخش از تاریخ را برجسته می‌کند که منافع و تصویر اخلاقی‌اش را تقویت کند و بقیه را به حاشیه می‌راند.

امــا همین روایت، در ســکوتی معنادار، نقــش قدرت‌های غربی در آماده‌سازی بستر این فاجعه را به حاشیه می‌راند. پیمان ورسای ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ (۷ تیر ۱۲۹۸) که پس از جنگ جهانی اول بر آلمان تحمیل شد، نه فقط غرامت‌های ســنگین و محدودیت‌های نظامی، بلکه بندی رسمی به نام «گناه جنگ» را بر ملت آلمان تحمیل کرد. این تحقیر ملی، همراه با بحران اقتصادی و تورم افسارگســیخته، زمین حاصلخیزی برای رشد نازیســم و شعارهای انتقام‌جویانه هیتلر فراهم آورد. غرب که خود معمار ایــن پیمان بود، با تحقیــر یک ملت، حقوق و کرامت آن را قربانی منافع کوتاه‌مدت قدرت‌های پیروز کرد و بعداً از نتایجش شــگفت‌زده شد. آن‌ها در واقع بدون آن‌که بدانند یکی از مخترعین حزب نازی بودند!

قدرت‌های غربی که خود معمار این پیمان بودند، ســال‌ها با سیاست مماشــات، تجاوزات اولیه آلمان را نادیده گرفتند یا حتی تشویق کردند. اشــغال منطقه غیرنظامی راینلنــد در ۱۹۳۶، الحاق اتریش در ۱۹۳۸ و ســپس تجزیه چکســلواکی در توافق مونیخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۸ (۸ مهر ۱۳۱۷)، همگی با سکوت نسبی یا رضایت تلویحی لندن و پاریس همراه بود. منطق «صلح در زمان ما» در عمل به معنای قربانی کردن کشورهای کوچک‌تــر برای حفظ منافع کوتاه‌مدت قدرت‌های بزرگ بود. این همان الگوی تکراری غرب است که حقوق ملت‌ها را هرگاه با منافعش در تضاد باشد، بی‌رحمانه زیر پا می‌گذارد.

تضمین‌هایی که بریتانیا و فرانســه به لهستان دادند نیز بیشتر جنبه نمایشی داشت تا عملی. وقتی حمله آغاز شد، دو قدرت غربی اعلام جنگ کردند اما هیچ عملیات نظامی جدی برای کمک به ورشــو انجام ندادند. جنگ به «جنگ دروغین» معروف شــد؛ ماه‌ها سکوت در جبهه غربی در حالی که لهستان زیر چکمه‌های ارتش آلمان له می‌شد. این رفتار بار دیگر نشان داد که غرب تنها زمانی از حقوق دیگران دفاع می‌کند که مستقیماً به منافع خودش گره خورده باشــد؛ در غیر این صورت، حقوق را قربانی می‌کند و تماشا می‌کند.

کمتر در روایت رســمی غربی به این واقعیت اشاره می‌شود که تنها هفده روز پس از حمله آلمان، در ۱۷ سپتامبر ۱۹۳۹ (۲۶ شهریور ۱۳۱۸)، ارتش سرخ شوروی نیز از شرق به لهستان یورش برد. این اقدام بر اساس پروتکل سری پیمان مولوتوف- ریبنتروپ انجام شد، پیمانی که دو قدرت تمامیت‌خواه، اروپای شــرقی را میان خود تقسیم کرده بودند. لهستان نه فقط قربانی نازی‌ها، بلکه قربانی توافق دو دشمن ایدئولوژیک شد که غرب در آن مقطع ترجیح داد یکی را نادیده بگیرد، چون منافعش ایجاب می‌کرد.

تقســیم لهستان میان آلمان و شــوروی، واقعیت تلخی است که در بســیاری از روایت‌های غربی به حاشیه رانده می‌شود. تمرکز انحصاری بر جنایات نازی‌ها، نقش شــوروی در اشغال و سرکوب بخش شرقی کشور را کمرنگ می‌کند. این گزینش تاریخی، نه از سر بی‌اطلاعی، بلکه ناشی از ملاحظات سیاســی پس از جنگ و نیاز به ساختن روایت ساده‌شده‌ای از «خیر در برابر شــر» بود. غرب بار دیگر نشــان داد که تاریخ را نه برای حقیقت، بلکه برای خدمت به منافع دائمی خود باز می‌نویسد.

استاندارد دوگانه در این‌جا آشکار می‌شود: تجاوز آلمان به‌حق محکوم می‌شود، اما شرایطی که غرب خود با تحقیر آلمان و سپس مماشات ایجاد کرد، کمتر مورد بازجُستن قرار می‌گیرد. سکوت در برابر تجاوزات اولیه و سپس همکاری عملی شوروی در نابودی لهستان، در حافظه جمعی غرب جای کمتری یافته است.

تاریخ به‌جای آن‌که آینه‌ای تمام‌نما باشد، به ابزاری برای توجیه جایگاه اخلاقی امروز تبدیل شــده است، ابزاری که همیشه حقوق را پیش پای منافع قدرت‌های غربی تفسیر و حتی قربانی می‌کند.

این شــیوه روایت، تنها به گذشته محدود نمی‌ماند. وقتی قدرت‌های غربی امروز از «نظم مبتنی بر قواعد» سخن می‌گویند، یادآوری ۱ سپتامبر ۱۹۳۹ (۱۰ شــهریور ۱۳۱۸) نشان می‌دهد که قواعد چگونه گاه انتخابی اعمال می‌شوند. لهستان در ۱۹۳۹ هم قربانی تجاوز نظامی بود و هم قربانی محاســبات ژئوپلیتیک قدرت‌هایی که مدعی دفاع از آن بودند. این الگو همچنان زنده اســت: حقوق ملت‌ها تنها تا جایی محترم شمرده می‌شود که با منافع غرب همخوانی داشته باشد.

یادآوری صادقانه این روز، نه انکار جنایات نازی‌هاست و نه توجیه آن جنایت‌های فاجعه‌بار. بلکه دعوت به نگاهی است که مسئولیت تاریخی را یکسویه ننویسد و بپذیرد که غرب همیشه حقوق را پیش پای منافع خود قربانی کرده اســت. تنها با پذیرش این واقعیت تلخ اســت که می‌توان از تکرار الگوهای مشابه در آینده جلوگیری کرد، الگوهایی که در آن منافع قدرت‌های بزرگ، بار دیگر کشورهای کوچک‌تر را به میدان بازی و قربانی تبدیل می‌کند.

ونزوئلا؛ قربانی جدیدترین شکل استعمار

سرویس خارجی-

روزنامه نیویورک‌تایمز با اشاره به توافق جدید نفتی بین ونزوئلا و آمریکا نوشـــته است این کشور در حال تجربه جدیدترین شکل از استعمارگری آمریکا است.

تحولات ماه‌های اخیـر ونزوئلا را باید درس عبرتی برای جهانیان دانســت. کشــوری که با حمله آمریــکا و دزدیدن رئیس‌جمهــور این کشــور قرار بود مشــکلات سیاســی و اقتصادی‌اش حل شود حالا به موردی مثال‌زدنی برای استعمار تبدیل شده است. زمانی که ترامپ شهریورماه سال ۱۴۰۴ بخش زیادی از نیروی دریایی آمریکا را در دریای کارائیب و در نزدیکی مرزهای ونزوئلا مســتقر کرد، بسیاری از کارشناسان، رسانه‌ها و حتی خود مقامات آمریکایی اعلام کردند که آمریکا به‌دنبال حمله به ونزوئلا و تصاحب ذخایر عظیم نفتی این کشور است. متأســفانه عدم آمادگی دولت و ارتش در مقابل این توطئه و خیانــت بخش‌هایی از دولت و ارتش ونزوئلا، باعث شــد که ارتش آمریکا در عملیاتی مشــترک با سازمان سیا، روز شنبه ۳ دی ۱۴۰۴ بــا حمله به کاراکاس پایتخت، نیکولاس مادورو رئیس‌جمهور و همسرش را برباید و به آمریکا منتقل کند.

ترامپ قبل و بعد از این آدم‌ربایی بارها اعلام کرده بود که هدف از این عملات تصاحب ذخایر سرشار نفتی ونزوئلا است. ذخایر نفتی اثبات‌شده ونزوئلا حدود ۳۰۳ میلیارد بشکه برآورد می‌شــود که این کشور را در رتبه نخست جهان قرار می‌دهد. طبق اظهارات مقامات آمریکایی، نفت این کشور می‌تواند نیاز ۱۰۰ ســال آینده آمریکا را تأمین کند. تحولات سه ماه اخیر در روابط بین واشنگتن و کاراکاس نشان می‌دهد که ترامپ به آرزویش رســیده است. چندی پیش روزنامه معتبر اسپانیایی «ال‌اکونومیستا» گزارشی منتشر کرد که نشان می‌داد «دلسی رودریگز» رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا در ابلاغیه‌ای رسمی به مشتریان نفت ونزوئلا شامل شرکت‌های هواپیمایی و کشتیرانی دستور داده است که از این پس بهای سوخت را نه به حساب دولت ونزوئلا، بلکه به طور مستقیم به خزانه‌داری آمریکا واریز کنند. به دنبال آن روزنامه انگلیسی فایننشال‌تایمز در گزارشی نوشت: آمریکا حدود ۱۳ میلیارد دلار پول نفت ونزوئلا را بالا کشیده است. چدی پیش هم پولیتیکو در گزارشی نوشته بود: «در حالی که مردم ونزوئلا گرفتار ویرانی‌ها و مشــکلات وقوع زلزله در کشورشــان هستند، دیپلمات‌ها و نظامیان آمریکایی مشغول غارت نفت این مردمند.»

امپریالیسم جدید

غارت منابع نفتی ونزوئلا وارد مرحله بســیار تازه‌ای شده است. طی روزهای گذشته رسانه‌ها ابعاد تازه‌ای از غارت منابع نفتی ونزوئلا را فاش کردند که در ادامه خود ترامپ و دلســی رودریگز هم آن را تأیید کردند. روز شنبه بود که «دونالد ترامپ» اعلام کرد که به دستور او، «مارکو روبیو» وزیر خارجه و «پیت هگزت» وزیر جنگ این کشور، با همکاری «دلسی رودریگز» زمینــه کنترل آمریکا بر بیش از ۶۵ میلیارد بشــکه از ذخایر اثبات‌شــده نفت ونزوئلا را فراهم کرده‌اند. ترامپ این توافق را بزرگ‌ترین معامله نفتی تاریخ توصیف کرده و گفت: این قرارداد بدون تحمیل هزینه به مالیات‌دهندگان آمریکایی، عرضه نفت آمریــکا را افزایش و قیمت انرژی را برای مصرف‌کنندگان این کشور کاهش خواهد داد.

براســاس اطلاعات منتشرشده، توافق جدید توسعه ۱۷ میدان راهبردی ونزوئلا را دربر می‌گیرد. ذخایر اثبات‌شــده این میادین حدود ۶۵ میلیارد بشکه، معادل بیش از یک‌پنجم کل ذخایر نفت ونزوئلا، اعلام شده است. دونالد ترامپ گفته اســت آمریکا از طریق همکاری با بخش خصوصی، «کنترل» این ذخایر را به دست خواهد آورد. گزارش آسوشیتدپرس نیز از تشکیل شرکتی جدید با سهم مؤثر ۵۵ درصدی طرف آمریکایــی در تولید و برخورداری آن از حقوق توســعه ۱۷ میدان سخن گفته است. بخشی از نفت تولیدشده قرار است با قیمت تمام‌شده در اختیار آمریکا قرار گیرد و برای تأمین پالایشــگاه‌ها، ذخایر راهبردی و نیازهای نظامی آن کشــور مصرف شــود. به گزارش ایرنا، دولت ونزوئلا مدت چارچوب همکاری انرژی با آمریکا را ۲۵ ســال اعلام کرده اســت؛ در حالی که برخی گزارش‌ها از اعطای حقوق توسعه صدساله به شرکت مشترک خبر داده‌اند. به گفته یکی از مقامات آمریکایی به آکســیوس، «این توافق تاریخی با کشوری که بزرگ‌ترین ذخایــر جهان را دارد، ذخایر نفتی آمریکا را بیش از دو برابر خواهد کرد. بزرگ خواندن این توافق، کم‌لطفی اســت، این توافق بسیار عظیم است!»

سفیر پیشین آمریکا در روسیه هم قرارداد نفتی واشنگتن با کاراکاس را یادآور «امپریالیسم قرن‌های گذشته» دانست و گفت: آمریکا با استفاده از قدرت خود برای دستیابی به منابع نفتی یک کشور دیگر، رویکردی شبیه قدرت‌های استعماری گذشــته در پیش گرفته است. «مایکل مک‌فال» در گفت‌وگو با شــبکه ام‌اس‌نــو گفت: «این توافق یادآور زمانی اســت که کشــورهای شمال به کشورهای جنوب می‌رفتند و از قدرت و نیروی نظامی برای اســتخراج طلا، نقره، ادویه و نفت استفاده می‌کردنــد. رئیس‌جمهور ترامپ نیز با این توافق همین کار را انجام می‌دهد.»

نابودی حاکمیت ونزوئلا

روزنامه نیویورک‌تایمز هم با اشــاره به توافق نفتی اخیر میان واشنگتن-کاراکاس، ونزوئلا را جدیدترین شکل «استعمار آمریکا» خواند و نوشــت: وعده‌های داده شــده برای تغییرات سیاسی در ونزوئلا عملی نشد اما حاکمیت این کشور بر منابع نفتی از بین رفته است. به نوشته نیویورک‌تایمز، توافق جدید میان دولت آمریکا و دولت ونزوئلا برای واگذاری کنترل اکثریت بخش بزرگی از ذخایر نفتی این کشور به آمریکا، موجی از نگرانی و نارضایتی را در میان ونزوئلایی‌ها برانگیخته اســت؛ توافقی کــه به گفته منتقدان، با توجــه به اهمیت تاریخی نفت برای هویت ملی ونزوئلا، می‌تواند به معنای از دست رفتن بخشی از حاکمیت این کشور باشد.

روزنامه نیویورک‌تایمز در ادامه گزارش خود می‌نویســد: بسیاری از ونزوئلایی‌ها از مدت‌ها قبل انتظار داشتند که بازداشت نیکلاس مادورو، توســط نیروهای آمریکایــی در ژانویه(دی) هزینه‌ای برای ونزوئلا داشته باشد. اکنون با اعلام توافق نفتی، ابعاد این هزینه برای بســیاری از مردم ونزوئلا روشن‌تر شده است. این توافق در شرایطی صورت می‌گیرد که تغییر سیاسی مورد انتظار در ونزوئلا هنوز رخ نداده اســت. دلسی رودریگز همچنان در قدرت اســت، میلیون‌ها ونزوئلایی در فقر زندگی می‌کنند، خاموشــی‌های برق ادامه دارد و هنوز تاریخی برای برگزاری انتخابات تعیین نشده است.

به گزارش فارس، نیویورک‌تایمز می‌افزاید: گروهی از مردم واگذاری کنترل صنعت نفت به آمریکا را به معنای از دست رفتن حاکمیت ملی می‌دانند. یک مدیر ســابق شرکت نفت دولتی ونزوئلا در ماراکایبو گفت: آمریکا قرار است صنعت نفت کشور را مدیریت کند و «حاکمیت در اینجا از بین می‌رود». اهمیت این مسئله از آن جهت بیشتر است که ونزوئلا در دهه ۱۹۷۰ صنعــت نفت خود را ملی کرد و کنترل دولتی بر منابع نفتی بعدها به یکی از پایه‌های اصلی ایدئولوژی دولت سوسیالیستی هوگو چاوز تبدیل شد. به همین دلیل، تصمیم رودریگز برای واگذاری بخش قابل‌توجهی از این منابع به آمریکا، یک تغییر جهت اساسی در سیاست ونزوئلا محسوب می‌شود. این گزارش می‌افزاید: رافائل رامیرز، از چهره‌های نزدیک به چاوز و رئیس پیشین شرکت نفت ونزوئلا که اکنون در تبعید به سر می‌برد، رودریگز را متهم کرده که «درهای شکل جدیدی از استعمار آمریکا» را گشــوده اســت. با این حال، برخی مخالفان دولت نیز حاضرند بخشــی از کنترل نفت را در ازای بهبود شــرایط اقتصادی بپذیرند.

توهم ترامپ

دونالد ترامپ روز یکشــنبه اعلام کــرد آمریکا قصد دارد از نفت ونزوئلا برای بازســازی ذخایر راهبردی خود اســتفاده کنــد. ترامپ در پیامی اعلام کرد نفت ونزوئلا که در چارچوب توافق جدید میان واشنگتن و کاراکاس در اختیار آمریکا قرار می‌گیرد، برای پرکردن موجــودی ذخایر راهبردی نفت این کشور مورد استفاده قرار خواهد گرفت و روند بازسازی ذخایر به‌زودی آغاز می‌شود.

با این وجود به گفته کارشناسان ونزوئلا از نظر ذخایر نفتی یکی از غنی‌ترین کشــورهای جهان است، اما سال‌ها تحریم، کمبود سرمایه‌گذاری، فرسودگی تجهیزات و ضعف زیرساخت‌ها باعث شده فاصله بسیار زیادی میان حجم ذخایر زیرزمینی و توان تولید روزانه این کشــور وجود داشــته باشد. به گزارش تســنیم به گفته این کارشناســان، ونزوئلا اکنون تنها حدود ۱٫۲ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کند و افزایش تولید به سرمایه‌گذاری گسترده و زمان نیاز دارد. بنابراین، نفت ونزوئلا می‌تواند یک پشتوانه استراتژیک بلندمدت برای آمریکا باشد، اما نمی‌توان انتظار داشت صدها میلیون بشکه کسری ذخایر استراتژیک آمریکا در چند ماه جبران شود. براساس آخرین آمار وزارت انرژی آمریکا، موجودی ذخایر راهبردی نفت این کشور (SPR) در هفته منتهی به ۲۱ اوت(۳۰ مرداد) با کاهش حدود ۳٫۷ میلیون بشــکه‌ای به ۲۸۹٫۷ میلیون بشکه رسیده است؛ رقمی که پایین‌ترین ســطح ذخایر آمریــکا از نوامبر ۱۹۸۲ محسوب می‌شــود. این ذخایر در پایان ســال ۲۰۲۵ حدود ۴۱۱ میلیون بشکه بود؛ بنابراین طی حدود هشت ماه، بیش از ۱۲۱ میلیون بشکه از موجودی این ذخایر کاسته شده است. ظرفیت مجاز ذخیره‌ســازی حدود ۷۱۴ میلیون بشکه است و موجودی فعلی به حدود ۴۰ درصد این ظرفیت رسیده است.

کفگیر آل‌سعود به ته دیگ خورد
تلاش ریاض برای دریافت میلیاردها دلار وام

سرویس خارجی-

رژیم سعودی در شرایطی برای دریافت دست‌کم ۸ میلیارد دلار وام جدید رایزنی می‌کند که کسری بودجه، فشار بر آرامکو و افزایش هزینه‌های امنیتی، منابع مالی ریاض را تحت فشـــار قرار داده است؛ هزینه‌هایی که بخشی از آن به سیاست‌های جنگ‌طلبانه و مداخلات منطقه‌ای این رژیم بازمی‌گردد. هم‌زمان، تداوم حملات نیروهای یمنی نشان می‌دهد میلیاردها دلار هزینه نظامی نیز نتوانسته امنیت مورد ادعای سعودی‌ها را تضمین کند.

رژیم سعودی که طی سال‌های اخیر با اتکا به درآمدهای نفتی و ذخایر مالی قابل‌توجه، پروژه‌های بلندپروازانه‌ای را برای تبدیل‌شـدن به قدرت اقتصادی و سیاسی منطقه دنبال کرده، اکنون با فشارهای فزاینده بر منابع مالی خود روبه‌رو شـده اســت. به گزارش بلومبرگ، ریاض در حال انجام رایزنی‌های اولیه برای دریافت دست‌کم ۸ میلیارد دلار وام جدید است، اقدامی که در شرایط افزایش هزینه‌های امنیتی و اقتصادی و فشــارهای ناشی از جنگ‌افروزی آمریکا علیه ایران مطرح شده است. اهمیت این خبر زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم عربستان در سه‌ماهه دوم سال با ۹.۱ میلیارد دلار کسری بودجه مواجه شده است. به این ترتیب، کشوری که طی سال‌های گذشته تلاش می‌کرد تصویری از یک قدرت ثروتمند و برخوردار از منابع مالی بی‌پایان ارائه دهد، اکنون برای تأمین بخشـــی از نیازهای مالی خود به بازارهای وام متوســـل شده است. این وضعیت، بیش از آن‌که صرفاً یک تصمیم معمول مالی باشد، می‌تواند نشانه‌ای از افزایش هزینه‌های سیاست امنیتی ریاض باشد، سیاستی که عربستان را در سال‌های گذشته به شریک مهم آمریکا در معادلات نظامی منطقه تبدیل کرده و اکنون هزینه‌های آن مستقیماً بر تراز مالی این کشور فشار وارد می‌کند.

آرامکو هم دست به استقراض زد

فشار مالی تنها به بودجه عمومی دولت سعودی محدود نمانده است. هم‌زمان با مذاکرات ریاض برای دریافت وام ۸ میلیارد دلاری، شرکت نفتی آرامکو نیز در حال گفت‌وگو با بانک‌ها درباره امکان اســتقراض بیشتر است. این تحول از آن جهت اهمیت دارد که آرامکو مهم‌ترین ستون درآمدی اقتصاد عربستان و یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های انرژی جهان محسوب می‌شود. وقتی فشار تأمین مالی از سطح بودجه دولت به بزرگ‌ترین مجموعه اقتصادی کشور نیز سرایت می‌کند، نمی‌توان آن را صرفاً یک نوســان موقت در دخل‌وخرج دولت دانست. براساس داده‌های رســمی مورد استناد گزارش، بخش نفتی عربستان نیز در سه‌ماهه دوم سال در پی حملات، اختلالات تجاری منطقه‌ای و محدودیت‌های عملیاتی، حدود ۲۵ درصد کوچک‌تر شده است. چنین وضعیتی در اقتصادی که همچنان وابســتگی قابل‌توجهی به نفت دارد، معنای روشنی دارد: هرچه هزینه‌های امنیتــی و نظامی افزایش پیدا کند و هم‌زمان فعالیت‌های نفتی و تجارت منطقه‌ای تحت تأثیر قرار گیرد، فاصله میان درآمدهای مورد انتظار و هزینه‌های واقعی بیشتر می‌شود. بنابراین، استقراض بیشتر آرامکو را می‌توان بخشی از تصویری بزرگ‌تر دانست، تصویری که در آن جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیک ریاض با صورتحســاب سنگین اقتصادی روبه‌رو شده است. باید نقش حملات چندین‌باره یمن به آرامکو را نیز در فهم آنچه اتفاق می‌افتد مطمح‌نظر داشت.

پهپادهای یمن؛ جبهه‌ای که بسته نشد

در همین شــرایط، تحولات میدانی یمن نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی عربستان همچنان پابرجاست. بخش رسانه‌ای اخبار جنگ یمن با انتشــار تصاویر جدیدی از عملیات نیروهای مســلح یمن علیه مواضع وابســته به عربستان، از اســتفاده از پهپاد «رجوم» در این حملات خبر داده است. این تحولات را باید در امتداد سال‌ها درگیری میان ائتلاف تحت رهبری سعودی و نیروهای یمنی دید، جنگی که ریاض در سال ۲۰۱۵ با هدف تغییر موازنه قدرت در یمن وارد آن شــد، اما پس از سال‌ها نتوانست به اهداف اولیه خود دست یابد و در مقابل، با تهدیدات موشکی و پهپادی علیه عمق خاک و تأسیسات حیاتی خود مواجه شد. حتی پس از کاهش سطح عملیات مستقیم، مسئله یمن برای امنیت عربستان حل‌نشده باقی ماند و توانایی نیروهای یمنی در استفاده از پهپادها و موشک‌ها، یکی از عواملی است که محاسبات امنیتی ریاض را پیچیده کرده اســت. از این منظر، درخواســت وام میلیارددلاری را نمی‌توان جدا از افزایش هزینه‌های دفاعی و امنیتی تحلیل کرد.

جبهه مقاومت همچنان زنده است

همچنین، موضع‌گیری اخیر یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، باز هم نشــان می‌دهد نگاه جریان حاکم در صنعا به تحولات منطقه صرفاً به مرزهای یمن محدود نیســت. سریع در ســالروز شهادت ابوعبیده، سخنگوی گردان‌های القســام، تأکید کرد که مســئله فلسطین همچنان در مرکز توجه نیروهای یمنی قرار دارد و گفت صدای ابوعبیده همچنان بر دشمن اسرائیلی تأثیرگذار اســت. پیوند دادن تحولات یمن با مسئله فلسطین برای عربستان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار اســت؛ زیرا ریاض در سال‌های اخیر از یک‌سو در تلاش برای تثبیت جایگاه خود به‌عنوان قدرت محوری جهان عرب بوده و از ســوی دیگر، در معادلات منطقه‌ای در کنار متحدان غربی خود قرار گرفته اســت. در چنین شرایطی، تداوم مواضع یمن علیه رژیم اسرائیل و حمایت از فلســطین نشان می‌دهد که حتی با تغییر آرایش‌های سیاسی منطقه، مسئله مقاومت و فلسطین همچنان یکی از عوامل مؤثر بر معادلات امنیتی خلیج‌فارس و دریای سرخ است.

ائتلاف مکه در برابر واقعیت یمن

در چنین فضایی، عربستان برای تقویت موقعیت امنیتی خود به سراغ ایجاد ســازوکارهای جدید دفاعی نیز رفته است. نخستین جلسه کمیته استراتژیک سیاســی و دفاعی متشکل از عربستان، ترکیه و پاکستان در اسلامبول برگزار شده اســت، کمیته‌ای که براساس توافقنامه دفاع مشترک مکه تشکیل شده اســت. طبق این توافق، ســه کشور در صورت حمله به هر یک از اعضا متعهد به دفاع متقابل هستند و در نشست اخیر نیز موضوعاتی همچون افزایش توان دفاعی، ارتقای همکاری میان نیروهای مسلح و حتی تولید و توسعه مشترک تجهیزات دفاعی مورد بحث قرار گرفته است. اما پرسش اساسی اینجاست که چنین پیمان‌هایی تا چه اندازه می‌توانند در برابر تهدیداتی که عربســتان طی سال‌های گذشته در میدان یمن با آن مواجه بوده، کارآمد باشند؟ تجربه جنگ یمن نشان داده است که داشتن تجهیزات پیشرفته و صرف هزینه‌های هنگفت نظامی الزاماً به معنای مصونیت در برابر حملات نامتقارن نیســت. پهپادهای کم‌هزینه و موشــک‌های یمنی بارها توانسته‌اند معادله‌ای را به چالش بکشند که ریاض برای تغییر آن میلیاردها دلار هزینه کرده اســت. تا همین حالا هم حملات مکرر یمن به عربستان را شاهد بوده‌ایم، در این میان این ائتلاف چه کرده است؟ هیچ؛ تماشا!

گاردین نوشت

ترکش جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران به اقتصاد آمریکا و جهان خورد

سرویس خارجی-

روزنامه انگلیسی با اشاره به «کارزار فشار حداکثری اقتصادی آمریکا علیه ایران» نوشته است که «ترامپ قماری را علیه ایران شـــروع کرده است که این قمار بیشتر به اقتصاد آمریکا و جهان آسیب می‌زند.»

دونالد ترامپ ناامید از پیروزی در جنگ، در هفتمین ماه شــروع آن راهبرد فشار حداکثری اقتصادی را علیه ایران در پیش گرفته است، با این امید که این راهبرد ایران را به تسلیم وادارد. اما به گفته کارشناسان و رسانه‌های آمریکایی، ایرانی که در مقابل شدیدترین حملات هوایی مقاومت کرده و تسلیم نشــده است، بعید است مقابل فشــار اقتصادی سرخم کند؛ مضاف بر آن، این راهبرد پیش از این هم از سوی دولت‌های ســابق آمریکا علیه ایران آزمایش شده و جواب نداده است. گاردین در همین رابطه طی گزارشــی هشدار داده است که این راهبرد می‌تواند به‌جای پایان دادن به بحران، دامنه آن را برای آمریکا و جهان گسترده‌تر کند.

در گزارش این روزنامه انگلیســی می‌خوانیم: «طرحی که اســکات بســنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، آن را «روز D اقتصادی» نامیده، با هدف قطع دسترسی ایران به باقی‌مانده کانال‌هــای اقتصاد جهانــی و تهدید بانک‌ها، شــرکت‌ها و دولت‌های خارجی به تحریم در صورت ادامه تجارت با تهران دنبال می‌شود. اما مشکل اصلی واشنگتن این است که فشار اقتصادی لزوماً به معنای تســلیم سیاسی نیست. مقام‌های ایرانی از یک‌ســو بر آمادگی برای مذاکــره تأکید کرده‌اند و از ســوی دیگر هشدار داده‌اند که از اهرم‌های باقی‌مانده خود صرف‌نظر نخواهند کرد.»

به گزارش تســنیم از نگاه گاردین، تهران تلاش می‌کند فشارها را تحمل کند و در عین حال هزینه ادامه این سیاست را بــرای آمریکا و متحدانش افزایش دهد. تنگه هرمز در این میان به یکی از مهم‌ترین اهرم‌های ایران تبدیل شــده است. هرگونه اختلال در صادرات انرژی خلیج‌فارس می‌تواند قیمت نفت و ســوخت را افزایش داده و تورم را در آمریکا و ســایر اقتصادهای جهان تشــدید کند؛ خطری که با نزدیک‌شدن انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا برای کاخ‌سفید اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. گاردین پیش‌تر نیز هشــدار داده بود که جنگ طولانــی ایران می‌تواند آثار ماندگاری بر قیمت نفت، تورم و رشــد اقتصاد جهانی داشته باشد. گاردین می‌افزاید: از سوی دیگر، چین به‌عنوان خریدار اصلی نفت ایران، حاضر نیســت به‌سادگی از تحریم‌های آمریکا تبعیت کند. بنابراین واشنگتن برای اجرای کامل طرح خود ناچار است فشار بر شرکای تجاری ایران را افزایش دهد؛ اقدامی که می‌تواند جبهه‌های اقتصادی جدیدی برای آمریکا ایجاد کند. حتی بسنت نیز درباره خطر چنین رویکردی هشدار داده و گفته است: «چرا باید بخواهم نظام مالی جهانی را منفجر کنم؟» به این ترتیب، قمار ترامپ ممکن است به جای فروپاشی سریع اقتصاد ایران، به افزایش قیمت انرژی، تشــدید تنش با چیــن، بی‌ثباتی اقتصادی و گسترش رویارویی منطقه‌ای منجر شود.

از افغانستان تا ایران

نیویورک‌تایمز هم در گزارشــی بــا عنوان «چرا آمریکا نمی‌تواند از جنگ‌هایش خارج شــود؟» نوشت: پنج سال از پایان طولانی‌ترین جنگ آمریکا در افغانستان می‌گذرد؛ جنگی که سرانجام با خروج آشفته نیروهای آمریکایی از کابل، هجوم هزاران افغان به فرودگاه و کشته‌شــدن ۱۳ نظامی آمریکایی در یک حمله انتحاری به پایان رسید، اما از آن زمان، بخشی از نگرانی‌هایی که ســه رئیس‌جمهور آمریکا را از پایان دادن به این جنگ بازمی‌داشــت، بی‌اســاس از آب درآمده است، افغانســتان به پایگاهی برای حمله تروریســتی علیه آمریکا تبدیل نشــد و القاعده نیز نتوانست تهدیدی مشابه گذشته ایجاد کند. به گزارش تسنیم، نیویورک‌تایمز، در این تحلیل با مقایســه جنگ افغانستان و جنگ ایران استدلال می‌کند که مشــکل آمریکا صرفاً پیروزی یا شکست در میدان نبرد نیســت؛ بلکه ساختار سیاسی و نظامی این کشور به‌گونه‌ای است که پذیرش شکست، عقب‌نشینی و پایان دادن به جنگ را بسیار دشوار می‌کند.

روایت جفری ساکس از شکست آمریکا مقابل ایران

اســتاد برجسته دانشــگاه کلمبیا نیز تحریم‌ها و کارزار اقتصادی جدیــد آمریکا علیه ایران را محکوم به شکســت می‌داند و معتقد است، بعید است این اقدامات بتواند اهداف واشنگتن را محقق کند چراکه کشورهای جهان با این اقدامات غیرقانونی همراه نخواهند شد.

«جفری ســاکس» استاد برجسته دانشگاه و مدیر مرکز توســعه پایدار دانشــگاه کلمبیا و «ســبیل فارس» مشاور خاورمیانه و آفریقا در شبکه راهکارهای توسعه پایدار سازمان ملل در یک یادداشــت مشــترک در وبگاه شــبکه الجزیره، نوشــته‌اند که این کارزار اقتصادی محکوم به شکست است. طبق این یادداشــت، پاکستان پس از چین اعلام کرده که از تحریم‌های جدیدی که آمریکا علیه ایران اعمال کرده تبعیت نخواهد کرد و به تجارت خود با تهران ادامه خواهد داد.

نگارندگان این نکته را یادآور شده‌اند که «۶ ماه بمباران آمریکا و محاصره دریایی این کشور نتوانسته پیروزی آمریکا را رقــم بزنــد، بنابراین اکنون برنامه این اســت که ایران از طریق گرسنگی اقتصادی به تسلیم وادار شود. رویکرد جدید غیرقانونی، بی‌رحمانه و به دلایل متعددی شکســت‌خورده خواهد بود.» ســاکس و فارس دلایل شکســت این طرح را برشمرده‌اند. طبق این یادداشت، در وهله نخست، باید به سابقه تاریخی توجه کرد. تحریم‌های اقتصادی نمی‌توانند دولت‌هایی را که مصمم به بقا هستند، سرنگون کنند. تحریم‌ها می‌توانند جمعیت یک کشــور را فقیر کنند اما دولت‌ها را ســرنگون نمی‌کنند. همچنین باید به محاسبات ساده بازار جهانی نفت توجه کرد. بسنت پیشنهاد می‌کند صادرات نفت ایران از بازاری حذف شود که همین حالا نیز به‌دلیل بسته‌بودن تنگه هرمز، یک‌پنجم عرضه نفت خود را از دست داده است. آمریکا قصد دارد شــوک رکود تورمی را که هم‌اکنون اروپا، ژاپن و دیگر متحدانش متحمل آن هستند، تشدید کند و در عین حال از این کشــورها می‌خواهد تحریم‌هایی را اجرا کنند که اقتصاد خود آنها را تحت فشــار قرار خواهد داد. مهم‌تر از همه، این کارزار علیه چین هدف‌گذاری شده است؛ کشوری که بیش از ۸۰ درصد صادرات نفت ایران را خریداری می‌کند. اگر آمریکا بانک چین یا بانک صنعتی و تجاری چین را تحریم کند، پکن با یک یادداشــت دیپلماتیک ملایم پاسخ نخواهد داد. چین صــادرات عناصر نادر خاکی خود را محدود خواهد کرد، زیرا قبلاً این آزمایش را انجام داده و در آن پیروز شده است.

به گزارش فارس، ســاکس و فارس در بخش پایانی این یادداشت به «توافق مکه» اشاره کرده و نوشته‌اند: «کشورهای سراســر جهان ازجمله ترکیه، عربستان و پاکستان در حال حرکت به ســمت ترتیبات دفاعی جدید هستند. آنها به‌طور قابل پیش‌بینی در حال فاصله گرفتن از تســویه معاملات با دلار آمریکا و کاهش سهم اوراق بدهی خزانه‌داری آمریکا در ذخایر ارزی خود هستند. آنها همچنین برای تأمین نیازهای هوش مصنوعی خود، به جای آنکه برای مدل‌های اختصاصی آمریکایی هزینه پرداخت کنند، به مدل‌های هوش مصنوعی متن‌باز چین روی می‌آورند.»

ماشین جنگی رژیم صهیونیستی مشغول تخریب خانه‌ها و زیرساخت‌های کرانه باختری

سرویس خارجی -

حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به مناطق مختلف فلســطین بی‌وقفه ادامه دارد، به‌گونه‌ای که هم‌زمان با بمباران هوایی ساختمان‌های مسکونی در غزه، نیروهای زمینی این رژیم با بولدوزرهای نظامی، خانه‌ها و تأسیسات کشاورزی را در کرانه باختری ویران می‌کنند.

گزارش‌های میدانی از افزایش بی‌ســابقه عملیات تخریب در ماه ژوئیه حکایت دارد و هم‌زمان سازمان‌های حقوق‌بشری نیز بار دیگر خواســتار افشای سرنوشت خبرنگاران فلسطینی بازداشت‌شده توسط اشغالگران شــده‌اند. بر اساس گزارش‌ها از غــزه، جنگنده‌های رژیم صهیونیســتی بامــداد دیروز یک ســاختمان مسکونی در نزدیکی خیابان المغربی در مرکز شهر غزه را هدف قرار دادند. در این حمله تروریســتی، دست‌کم دو فلسطینی به شــهادت رسیدند و شماری دیگر مجروح شدند. منابع بیمارستانی می‌گویند غالب مجروحان را زنان و کودکان تشــکیل می‌دهند و وضعیت برخی از آن‌ها بسیار وخیم است. این حملات در حالی رخ می‌دهد که رژیم صهیونیســتی طی هفته‌های اخیر حملات هوایی خود به مناطق مسکونی غزه را تشدید کرده و زیرساخت‌های غیرنظامی را بدون هیچ هشدار قبلی بمباران می‌کند.

در همین حال، منابع فلســطینی از افزایش شمار شهدا در غزه خبر داد و اعلام داشت از زمان استقرار آتش‌بس ادعایی در ایــن باریکه در ماه اکتبر، یک هزار و ۳۲۰ غیرنظامی در توحش صهیونیست‌ها به شهادت رسیده‌اند. شمار کل شهدای فلسطینی از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نزدیک به ۸۰ هزار فلسطینی اعلام شده است.

تخریب خانه‌ها با بولدوزر

نیروهای اشــغالگر صهیونیســتی دیروز نیز با اســتفاده از بولدوزرهای سنگین، یک خانه دیگر را در شهر نابلس در شمال کرانه باختری به‌طور کامل تخریب کردند. خبرگزاری رســمی فلســطین (وفا) به نقل از شــاهدان عینی گزارش داد نظامیان صهیونیست بدون اعلام قبلی، منطقه را محاصره و ساکنان این خانه دوطبقه را مجبور به ترک منزل کردند و سپس ساختمان را با خاک یکســان نمودند. فیلم‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، خودروهای زرهی و نظامیان صهیونیســت را در حال گشــت‌زنی در خیابان‌های نابلس نشان می‌دهد که وحشت را بر اهالی منطقه حاکم کرده اســت. در این یورش، شهرک‌نشینان افراطی نیز دوشادوش نظامیان صهیونیست اقدام به توحش علیه ساکنان فلسطینی کردند.

در همین حال، کمیســیون مقاومت در برابر شهرک‌سازی صهیونیست‌ها، آمار هولناکی از عملیات تخریب رژیم صهیونیستی در ماه ژوئیه (تیر-مرداد) منتشر کرده است. بر اساس این گزارش، اشغالگران طی این ماه ۷۰ عملیات تخریب را در کرانه باختری به اجرا گذاشــته‌اند که طی آن ۳۹ خانه فلســطینی و ۹۹ سازه کشاورزی شامل گلخانه‌ها، انبار محصولات و شبکه‌های آبیاری به‌طور کامل ویران شده است.

این اقدام صهیونیســت‌ها که به‌طور سیســتماتیک انجام می‌شــود، اقتصاد و معیشــت فلســطینیان را هدف قرار داده و باعــث موج جدیــدی از بی‌خانمانی و مهاجــرت اجباری در میان فلســطینیان شــده اســت. تل‌آویو اکنون در حال تلاش برای پاک‌ســازی قومی کرانه باختری با تشدید سخت‌گیری‌ها بر فلسطینیان اســت. شهرک‌نشــینان نیز با حضور در چنین عملیات‌هایی، علاوه بر ضرب‌وجرح فلسطینیان، دارایی‌های آن‌ها را به سرقت می‌برند.

یورش به اردوگاه‌ها؛ بیت‌لحم تا اریحا

نظامیان صهیونیست از ساعات اولیه دیروز، حملات زمینی خود بــه مناطق مختلف در کرانه باختری را تشــدید کردند. بر اســاس گزارش وفا، نظامیان اشغالگر در منطقه الساقی در شمال رام‌الله، عملیات تخریب جدیدی را آغاز کردند و با ورود به اردوگاه عقبت جبــر در جنوب اریحا، با خودروهای نظامی و پرتاب نارنجک‌های صوتی، با غیرنظامیان فلســطینی درگیر شدند. منابع محلی همچنین از دستگیری شماری از فلسطینیان در این یورش‌ها خبر دادند. در ادامه نقض آشــکار حقوق بشر، سازمان عفو بین‌الملل آمریکا با انتشار بیانیه‌ای، خواستار افشای فوری سرنوشت دو خبرنگار فلسطینی شد که از اکتبر ۲۰۲۳ در بازداشــت نیروهای اشــغالگر به ســر می‌برند. این سازمان تأکید کرد طولانی‌شــدن بازداشت این خبرنگاران بدون طرح اتهام و عدم دسترسی آن‌ها به وکیل، مصداق بارز نقض حقوق بین‌الملل است. درخواست سازمان عفو بین‌الملل آمریکا برای تعیین سرنوشت ۲ خبرنگار بازداشتی در حالی مطرح می‌شود که واشنگتن نقشی بی‌بدیل در حمایت از جنایات صهیونیست‌ها علیه فلسطینیان دارد و همواره درخواست نهادهای بشردوستانه برای اعمال فشــار بر تل‌آویو برای پایان اشــغالگری را نادیده می‌گیرد. جان مرشــایمر، بزرگ‌ترین استراتژیست حال حاضر جهان، تأکید دارد آمریکا همدســت نسل‌کشی فلسطینیان در غزه بــوده و در جایگاه اخلاقی قرار ندارد که بخواهد از حقوق بشر سخن بگوید.

اکنون جنایت‌های رژیم صهیونیستی در کرانه باختری و غزه، هم‌زمان با سکوت شرم‌آور جامعه بین‌المللی، به اوج خود رسیده اســت. تخریب خانه‌ها، ترور خبرنگاران و نابودی زیرساخت‌های کشــاورزی، بخشــی از نقشــه پلید این رژیم برای پاک‌سازی فلسطینیان از ســرزمین اجدادی‌شان است. گزارش کمیسیون مقاومت و فراخوان عفو بین‌الملل، تنها گوشه‌ای از فاجعه‌ای انسانی را به تصویر می‌کشد که نیازمند واکنش فوری مجامع بین‌المللی است. کارشناسان هشدار می‌دهند تداوم این سیاست‌ها، منطقه را به ســمت انفجاری بزرگ پیش خواهد برد و سکوت در برابر این جنایت‌ها، چیزی جز همدستی با جنایتکاران نخواهد بود.

کیهان

روزنامه صبح

صاحب امتیاز: شرکت چاپ و انتشارات کیهان

(مؤسسه کیهان)

مدیر مسئول و سردبیر: حسین شریعتمداری

تلفن: ۳۵۲۰۰ و ۹-۳۳۱۱۰۲۵۱

کیهان و خوانندگان۳ تا ۶ عصر: ۳۳۱۱۰۰۶۵

ارتباط با ما در پیامرسان‌های ایتا و بله:

@kayhannewspaper

صفحات وب: www.kayhan.ir

کد پستی: ۱۱۴۴۸۳۱۵۹۹

صندوق پستی: ۱۱۱۵۵/۳۶۳۱

تهران - خیابان فردوسی کوچه شهید شاهچراغی

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۶/۱۰

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت اول
شرکت تعاونی مسکن کارکنان راه‌آهن تهران، بیست‌ودو بهمن (در حال تصفیه)
شماره ثبت: ۷۸۹۸۷ شناسه ملی: ۱۰۱۰۱۲۳۸۰۶۲

بدین‌وســیله از کلیه ســهامداران محترم شرکت تعاونی فوق دعوت می‌شــود تا در مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت اول که روز سه‌شنبه رأس ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۶/۲۴ در مجموعه فرهنگی ورزشی کارگران تهران واقع در کیلومتر ۷ بزرگراه حاج احمد متوسلیان - نرسیده به پل کن- برگزار می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

توجه ۱: در صورتی که هریک از سهامداران نتوانند در مجمع عمومی مورد اشاره حاضر شوند، می‌توانند استفاده از حق خود را برای حضور و اعمال رأی در مجمع به نماینده تام‌الاختیار واگذار کنند. بدین منظور، سهامداران متقاضی اعطای نمایندگی می‌توانند به همراه نماینده خود در ساعات اداری روزهای ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ و ۱۴۰۵/۰۶/۱۶ و ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ و ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ (با در دست داشتن کارت شناسایی معتبر و مدارک سهامداری) در محل اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران واقع در خیابان سپهبد قرنی، بالاتر از خیابان اراک، پلاک ۱۰۷، طبقه سوم حاضر تا پس از احراز هویت طرفین، برگه نمایندگی مربوطه برای نماینده صادر گردد.

توجه ۲: متقاضیان کاندیداتوری سمت هیئت تصفیه می‌توانند تا قبل از رسمیت مجمع عمومی درخواست خود را به مقام برگزارکننده ارائه نمایند.

توجه ۳: جهت حضور در جلسه فوق، ارائه کارت ملی و مدارک سهامداری در روز مجمع الزامی است.

دستور جلسه:

۱- تمدید/ انتخابات هیئت تصفیه برای مدت دو سال

اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران